

عنوان مقاله:

رمزگشایی نمادهای عرفانی هجران و فاق روحی انسان در مثنوی

محل انتشار:

فصلنامه مطالعات ادبیات، عرفان و فلسفه، دوره 4، شماره 1 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 15

نویسندگان:

طاهره جعفرقلیان - عضو هیات علمی دانشگاه پیام نور

فاطمه کریمی - کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور کرج

خلاصه مقاله:

عرفان و تصوف به عنوان نهاد شناخته شده اجتماعی دارای زبانی است که ویژگی های مشخصی دارد. این ویژگی ها شامل برخی اصطلاحات خاص است که توسط عرفا و فلاسفه به کار می رود و برای بسیاری نا آشناست. ادبیات عرفانی سرشار از واژگان و عباراتی است که مفاهیم و معانی والای عرفانی را به مخاطب القا می کند. در متون عرفانی واژگان و تعبیرات فراوانی مشاهده می شود که دور از معنی ظاهری خود، به گونه ای معنای رمزی دارند و نمادگونه هستند. نماد برجسته ترین و پر رمز و رازترین تصویر شعری است و بیانگر کلیات و مفاهیم سترگ به وسیله موضوعات جزئی است. نمادهای رمزی ویژه متون عارفانه است. عارف با کشف و شهود دنیای پیرامون خود را به زبان رمز بیان می دارد تا اهل دل و اصل به مقام روحانی آن رمز را دریابند. مولانا در بیان اندیشه های عرفانی و عاشقانه خود از این رموز و نمادها بهره می جوید. هجران و فراق یکی از این نمادهای عرفانی در مثنوی است که علاوه بر معنای ظاهری و ملموس آن، معنای دیگری را در خود جا داده است و در مثنوی جایگاهی در خور یافته است. زبان مولانا زبانی عارفانه است. مثنوی با وجود این که منظومه ای داستانی و تمثیلی است سرشار از مضامین عرفانی و فلسفی است. نمادها و سمبل های مولانا برگرفته از عقاید و اندیشه های عرفانی، فلسفی و اجتماعی اوست. هدف از این تحقیق، رمزگشایی و فهم بیشتر دو واژه هجران و فراق در گستره ادبیات عرفانی و رمز گشایی این دو نماد عرفانی با تکیه بر آرا مولانا در مثنوی است.

کلمات کلیدی:

نماد، هجر، فراق، مولانا، ادبیات عرفانی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/834494>

